شاعر شیوه دار

کزازی، میرجلال الدین

اشاره: خوانندگان گرامی آگاهند که شرح‏حال و کتابشناسی تفصیلی دکتر میرجلال‏الدین کزازی در شماره اسفند- فروردین 81 کیهان فرهنگی به چاپ رسیده است. از این نظر نیازی به تکرار آن نبود، در این مختصر، با آثار منتشر شده و در دست انتشار استاد کزازی از آن پس تاکنون آشنا می‏شویم.

سال‏های 81 تا 83 سال‏های پرباری برای استاد کزازی بود. در این مدت، جلدهای دوم، سوم و چهارم نامه باستان [ ویرایش و گزارش شاهنامه فردوس‏قدس سره به قلم استاد، توسط سازمان انتشارات سمت منتشر شد. دوره چهار جلدی نامه باستان در سال 1383، در هجدهمین دوره جشنواره بین‏المللی خوارزمی، از میان چهل طرح برگزیده، یکی از دو طرحی بود که جایزه اول را ربود و برنده نخستین در پژوهش‏های بنیادی گردید.

از دکتر کزازی دو کتاب نیز زیر چاپ است: جلدهای پنجم و ششم نامه باستان و نیز «آب و آئینه» جنگی است از جستارهایی که وی از سال 1380 تاکنون در ماهنامه‏ها و مجله‏های فرهنگی به رشته تحریردرآوده است. افزون بر این، در سه سال گذشته، چهار کتاب استاد:«ایلیاد»، «اودیسه»، انه ایدو «تلماک» به چاپ چهارم رسیدند.

محمد جواد محبت یکی از شناخته‏ترین سخنوران این روزگار است و یکی از آن اندک شاعران امروز، که توانسته است درشاعری به شیوه و سبکی جداگانه و ویژه خویش دست یابد؛ بدان‏سان که آشنایان با سخن پارسی دراین روزگار، به دیدن یا شنیدن سروده‏ای از او، بی‏آن که نام سخنور را بدانند، گمان می‏توانند زد که این سروده از سخنور نکته سنج کرمانشاهی محمد جواد محبت است. ناگفته آشکار است که «شیوه داری» و صاحب سبکی در هنر شایستگی و توانی است که به آسانی و زود هنگام به دست نمی‏تواند آمد و نیاز به پیگیری و پایداری بسیار و ورزش و پشتکار فراوان در آفرینش هنری دارد. از نگاهی فراگیر، برترین ویژگی ساختاری و شیوه شناختی درشعر محبت، ترازمندی (اعتدال) و میانه روی است. او شاعری است که هم در کالبدهای کهن و بارها آزموده و به کار گرفته سخن پارسی، شعر می‏سراید، هم درگونه و روش‏های نوین که گاه به پاس نوآیینی و بی‏پیشینگی خام و نافرجامند، طبع می‏آزماید. لیک راست آن است که درهر دو گونه، کامگار است و از هر دو ناوردگاه، پیروزمند بدر می‏آید. زیرا آن چنان که گفته آمد همواره درشاعری ترازمندی و میانه‏روی را پاس می‏دارد و در هیچیک از دو سامانه سخن پارسی، درمغاک و پرتگاه گزافه‏کاری و فراخروی یا کمرویی فرو نمی‏افتد. آنگاه که کالبدهای سخته و سُقوار کهن را به کار می‏گیرد. در دام کهنه‏گرایی و فرسودگی و پوسیدگی دچار نمی‏آید؛ نیز در آن هنگام که خطر گرو ناپروا و ماجراجوی می‏کوشد گونه‏های نیازموده و قلمرو ناپیموده را در سخن‏سرایی بیازماید و بپیماید، برگزاف و بندگسل به پیش نمی‏تازد و شکوه شگرف سخن پارسی و پیشینه گرانمایی و نازش خیز آن را که از ادب ایران ادبی درخشان و جهانی ساخته است و مایه نامداری و سرافرازی این سرزمین سپند سرود و سخن درپهنه گیتی گردیده است، از یاد نمی‏برد. از همین روی، شیوه‏ای را که محبت درشاعری می‏ورزد و به کار می‏گیرد. به آسانی و با دلی استوار و اندیشه‏ای آرام، می‏توان به خامدستان و نوآمدگان و تازه کاران اندرز گفت تا مگر آنان نیز درکار نغز و دشوار و رنجبار هنر، بویژه هنر شاعری که در هرگام و دم آن هزار نکته باریکتر از موی نهفته است، به بیراهه در نیفتند و سر از ناکجا آباد هرزه درایی و یاوه سرایی درنیاورند.

ویژگی دیگر درشعر محبت که برآن انگشت می‏توان نهاد،پرسخنی است. درکمتر مجله‏ای ادبی است که سروده‏ای از او دیده نیاید.

وی تاکنون چند دفتر شعر را به چاپ رسانیده است. بی‏گمانم که سروده‏های او بسیار بیش از آنهاست که او نشر کرده است و در دسترس دوستداران نهاده؛ زیرا او افزون از سخنوری، سخن سنج نیز هست و یاریگر و دستگیر شاعران جوان و تازه کار. هر آینه چنین کسی بر نمی‏تابد و روا نمی‏دارد که هر سروده‏ای را به چاپ برسانند و از میان فرزندان طبع، تنها آنان را برمی‏گزیند که بیش برومندند و بالا بلند.

به هر روی، از درگاه دادار برای این سخنور گرامی، عمری دراز و دیرباز آرزو دارم تا بتواند درسالیانی دیگر بسیار، هم چنان چشمه زایای نهاد را دریاوش برجوشاند و گوهرهایی دیگر درخشان برگنجینه گرانسنگ و بی‏مانند ادب پارسی، بیفزاید. ایدن باد!